

## معماری و شهرسازی پس از جنگ هشت ساله ایران

سید محمد مطلبی<sup>۱</sup>، بهنام یوسفی<sup>۲</sup>، میثم معصومی<sup>۳</sup>، محمد علی باقری<sup>۴</sup> و عبدالرضا میرزایی<sup>۵</sup>

۱ فارغ و التحصیل ارشد برنامه ریزی شهری دانشگاه علوم تحقیقات اراک motalebi2710@gmail.com

۲ فارغ التحصیل علوم اجتماعی گرایش برنامه ریزی در مقطع کارشناسی دانشگاه شیراز

Amirreza688@gmail.com

۳. لیسانس معماری Mhm1122@yahoo.com

۴. کارشناس معماری 56 mohammadbagheri@yahoo.co

۵. فوق دیپلم عمران دانشگاه کرمانشاه Abdoreza.m1348@gmail.com

## مقدمه

ایران در مرز میانه گرایش های شدید مذهبی و باورهای تاریخی و فرهنگی و آیینی از یک سوء و مختصات نظم پذیری و بریدن از هستی شناسی به شیوه کهن و روی آوری به معرفت شناسی<sup>۱</sup> از طریق عقل محوری خود بنیان ابزار ساز جهان مدرن از سویی دیگر؛ قرار گرفته است که در آن حتی بازگشت مجدد به اسطوره ها و مناسک آیینی از دیدگاه عقلی و کاربردی صورت می گیرد و از ابعاد ایمانی و اعتقادی تهی است. جنگ هشت ساله ایران یکی از عوامل بازدارنده اجرای طرح های بزرگ شهرسازی در پایتخت است. رفع محرومیت از کشور اولویت نخست کشور بوده بنابراین فرصتی برای اجرای پروژه های نظیر ورزشگاه آزادی فراهم نبوده است.

اینک جهان غیر غربی به علت فاصله شدید از تولیدات فکری و مادی جهان غرب؛ و در عین حال وابستگی گریز ناپذیر به آنها؛ چاره ای ندارد جز یافتن راه حلی که بتواند به صورتی فراگیر؛ تمامی جنبه های دخیل در آنچه را خواسته یا ناخواسته معروض سیطره آن قرار گرفته است؛ در بر گیرد تا بدین طریق امکان ارتباط با جهان خارج از خود را داشته باشد. از طرف دیگر جهان غرب نیز در خلا معنایی حاضر؛ گریزی جز شناخت فرهنگ های دیگر کشورهای جهانی ارتباط با آنها به منظور ادامه حیات خود نمی یابد. شهرها روز به روز مرزهای خود را از چند جهت گسترش می دهند و این گسترش مرزها به طور مستقیم با هجوم سیل جمعیتی تازه که برخوردار از انواع نیازهای روزمره و طبیعی هستند؛ همراه است. بی شک استفاده برابر و مناسب تمام گروه های اجتماعی و خاصه گروه های آسیب پذیر اجتماعی، از فضاهای شهری بایستی مورد توجه قرار گیرد و این یکی از اساسی ترین حقوق شهروندی در عرصه اجتماع به شمار می رود. چنان چه در دین اسلام نیز تاکید خاصی بر شکل گیری و ایجاد عدالت اجتماعی در میان اقشار اجتماعی شده است.

شروع معماری معاصر ایران را می توان از حدود سال ۱۳۰۰ به بعد دانست این زمان است که در اثر تحولات سیاسی و اجتماعی جریان زندگی اجتماعی و اقتصادی ایران تغییر کرد سیمای شهرهای ایران محول شد و بناهای لازم برای زندگی جدید مانند ادارات، کارخانه ها، بانکها، ایستگاههای راه آهن، دانشگاه و غیره و همچنین واحدها و مجموعه های مسکونی جدید در شهرها بوجود آمدند. این بناها برخلاف بناهای پیشین که معماران سنتی طراحی شده اند که در ابتدا غیر ایرانی بودند و بتدریج ایرانیانی که در مدارس معماری خارج از ایران تحصیل کرده بودند و به دنبال آن فارغ التحصیلان اولین مدرسه معماری در ایران در حدود سال ۱۳۲۰ نیز به آنها اضافه شدند. از همان ابتدا و از طراحی اولین آثار در معماری ایران دو جریان موازی هم پدید آمد یک جریان که هیچگونه توجهی به میراث فرهنگی گذشته ایران نداشت و جریانهای معماری معاصر جهان را با یک دوره تاخیر و به صورتی غیر ماهرانه تقلید می کرد و جریان دیگری که کوشش داشت هر چند سطحی اما رابطه خود را با معماری گذشته ایران باقی نگاه دارد. البته هر دوی این جریانها که تا به امروز در ایران ادامه دارند موفقیت چندانی بدست نیاورده اند. آن بخش از معماری که دنباله روی جریانهای معماری معاصر جهان بودند به علت عدم ارتباطی که با آن داشتند و با توجه به تاخیری که در انتقال مبانی و اصول این معماری به ایران صورت می گرفت و بالاخره به علت عدم تسلط بر این اصول و بد فهمی آن صرفاً به تقلید ناشیانه جریانهای معماری معاصر جهان پرداختند و جریان دیگری که معماری گذشته ایران و پیوند با آن را مطرح می کرد نیز عمدتاً به تقلید سطحی و ساده لوحانه و در مواردی زنده از معماری گذشته ایران بسنده کرد.

در مطالعه معماری ایرانی و استخراج مفاهیم، مبانی و ویژگی های آن کاملاً روشن است که اساس و شالوده اصلی آن در فلسفه وجودی این سرزمین بوده است و در نتیجه، مطالعه آن بدون عمیق شدن در مسائل اجتماعی، فرهنگی، دینی و ادبی ناممکن است و روش تطبیقی رفت و برگشتی بین قالب (صورت) و فلسفه اجتناب ناپذیر می باشد. دشواری این تحلیل از همین جا آغاز می شود. چرا که کالبد همیشه قابل نقد علمی است، به ویژه هنگامی که این نقد در ارتباط با محیط فیزیکی و جغرافیایی صورت می گیرد. مطلب پیچیده تر، راز فضای فرهنگی است که بدون سفر عاشقانه در ژرفای انتزاعی و معنوی آن به دست نمی آید. تمام

<sup>1</sup> epistemology